



پژوهشگاه قوه قضائیه

پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی کشور

نشریه‌های علمی و پژوهشی
نقد رای امریت در باره

نقد رای امریت در باره

آمریت در قتل عمدی

عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور	: نقد رأی اصراری درباره آمریت در قتل عمدی / گردآوری و تدوین: پژوهشکده استخراج و مطالعات روبه قضایی؛ ویراستار ادبی شهلا داهی.
مشخصات نشر	: تهران: قوه قضائیه، مرکز مطبوعات و انتشارات، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۴ ص.
فروست	: سلسله نشست‌های نقد رأی.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۰۶-۴۱-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: حقوق جزا-- ایران-- خلاصه آرای قضایی
موضوع	: قتل عمد -- ایران
موضوع	: محاکمه‌ها (قتل) -- ایران
موضوع	: حقوق جزا -- ایران -- دعاوی
موضوع	: حقوق جزا -- ایران -- تفسیر و استنباط
موضوع	: دنامه‌ها -- ایران
شناسه افزوده	: پژوهشگاه قوه قضائیه. پژوهشکده استخراج و مطالعات روبه قضایی
شناسه افزوده	: ایران. قوه قضائیه. مرکز مطبوعات و انتشارات
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴۷ / ۳۸۰ MH
رده بندی دیویی	: ۵۵/۳۴۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۸۲۵۱۱



وب سایت: www.jpri.ir کد پستی: ۹۱۴ ۳۸۲ تلفکس: ۰۲۱-۲۲۰۹۳۶۸۴
آدرس: بزرگراه چمران، بزرگراه یادگار امام بعد از خروج اویس، که، پژوهشگاه قوه قضائیه

مرکز مطبوعات و انتشارات
قوه قضائیه

عنوان: نقد رأی اصراری درباره آمریت در قتل عمدی

گردآوری و تدوین: پژوهشکده استخراج و مطالعات روبه قضایی

ناشر: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه

اساتید مدعو: محمدرضا کشکولی - دکتر رضا فرج‌اللهی - دکتر حسین نایبی

دبیر جلسه: علی عطار

ویراستار ادبی: شهلا داهی

ویراستار حقوقی: عطیه عدنانی

نظارت فنی چاپ: منصور سعیدی

قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

تیراژ و نوبت چاپ: ۱۰۰۰ نسخه اول ۱۳۹۴

فهرست مطالب

مقدمه

۱	متن آراء موضوع نقد و بررسی.....
۳	دادنامه شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور.....
۳۹	دادنامه شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران.....
۵۳	متن نشست.....
۵۴	بررسی مستندات رای صادره کیفری استان شعبه ۱۱۳.....
۵۴	عنصر قانونی جرم ارتعابی و رویه قضایی.....
۵۶	قانون نحوه بکارگیری سلاح.....
۶۱	دلایل انتساب جرم، از نظر شعبه ۱۱۳.....
	رای نهایی شعب ۷۱ و ۱۱۳ کیفری استان و طرحیات عمومی
۶۲	دیوان عالی کشور.....
۶۳	استدلال شعبه ۱۱۳.....
۶۴	قتل عمد و شبه عمد.....
۶۵	عدم اعتبار علم استنباطی.....
۶۶	ورود قاضی به امور غیرمربوط به پرونده (مسلح بودن سرباز).....
۶۷	نوعاً گشوده بودن تیراندازی.....
۶۸	امر آمر قانونی به قتل.....
۶۹	فقدان قصد فعل نسبت به مقتول.....

- ۷۱.....کشنده بودن سلاح یا فعل مجرمانه
- ۷۲.....مستندات علم قاضی
- ۷۳.....امر به تیراندازی، امر به قتل
- ۷۴.....معنای امر آمر قانونی
- ۷۴.....اهمیت نداشتن انگیزه قتل
- ۷۵.....لزوم اشاره به مستندات استنباط
- ۷۵.....اهداف متعدد، هدف واحد
- ۷۶.....سوءنیت در قتل عمدی
- ۷۷.....مباشرت و تسبیب
- ۷۸.....عمدی یا غیر عمدی قتل
- ۸۰.....امر موضوعی و گزارش کارشناسی
- ۸۱.....آمریت در قتل و امر غیر قانونی
- ۸۲.....عمدی بودن قتل
- ۸۴.....ضابطین و جرایم مشهود
- ۸۵.....مردم عادی و جرایم مشهود
- ۸۷.....غیرقانونی بودن تعقیب و سوءنیت در تیراندازی
- ۸۹.....تخطی مأموران از وظایف قانونی
- ۹۰.....امر غیرقانونی و سوءنیت آمر
- ۹۱.....قتل عمدی و سوءنیت سرباز
- ۹۲.....حاکمیت ماده ۵۶ بر موضوع
- ۹۲.....حاکمیت ماده ۵۷ بر موضوع
- ۹۴.....عدم دقت مأموران در بکارگیری سلاح
- ۹۴.....اعمال قاعده درء

- ۹۵ رویه دادگاه‌های نظامی
- ۹۶ عنصر معنوی مباشر
- ۹۷ تفسیر به نفع متهم
- ۹۷ حدود مسئولیت مردم عادی در جرایم مشهود
- ۹۸ احراز نظر مقنن
- ۹۹ اطلاق بند ۴ ماده ۲۱ آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۷۸) ...
- ۱۰۱ هدف و اسباب محسوب شدن مجموع افراد
- ۱۰۱ از آن جهت خطای محض
- لزوم مجرم در بردن سلاح در جرایم مشهود؛ میزان علم ضابطین
- ۱۰۳ برای شروع جرم سبب محدودۀ عمل ضابطین
- ۱۰۳ شرایط قانونی بدارگیری سلاح
- ۱۰۵ میزان علم لازم به وقوع جرم برای بکارگیری سلاح
- ۱۰۶ هدف واحد و امر غیرقانونی امر
- ۱۰۶ ذهنی و شخصی بودن قصد و استتلال از نوع فعل
- ۱۰۷ قتل عمدی در اجرای امر غیرقانونی امر
- ۱۰۸ رابطه امر و مأمور
- ۱۱۰ پذیرش نظریه مختلط (عمل به ظاهر أوامر) در نظام حقوق ابدان
- ۱۱۱ هدف واحد یا متعدد محسوب شدن یک جمع نامعین
- ۱۱۱ مسئولیت سرباز به دلیل اطاعت از امر غیرقانونی امر
- ۱۱۲ اعمال قاعدۀ درء در مورد امر
- ۱۱۲ مقصود بودن کلیه اهداف نامعین
- ۱۱۳ تفریط به نفس
- ۱۱۴ فرآیند ایراد و بررسی اتهامات

- تفاوت اراده و اختیار..... ۱۱۵
- فعل ارادی و غیر ارادی..... ۱۱۷
- اراده، اکراه، عقل و صغر سن؛ مجرمانه بودن وصف عمل ارادی..... ۱۱۷
- اشتباه در هدف و هدف محسوب شدن افراد موضوع فعل..... ۱۲۰
- ثمره عملی توجه به ساختار فرآیند کیفری..... ۱۲۲
- تفاوت مصادیق جرم بودن عمل با تحمیل مسئولیت کیفری.. ۱۲۵
- دستور در شلیک، غیر از دستور به قتل است..... ۱۲۶
- اثر اوضاع و احوال صدور دستور در استنباط مأمور..... ۱۲۷
- اشتباه قابل قبول در باز در قانونی پنداشتن امر آمر..... ۱۲۷

مقدمه

در ارتکاب اعمال مجرمانه، معمولاً مسیری طی می‌شود که از قصه شروع شده و به ارتکاب جرم تام، می‌انجامد. چنانچه مرتکب، این مسیر را به صورت کامل، و تا انتها، طی نماید و جرم تام واقع شود، به شرط داشتن مسئولیت جزایی، به مجازات محکوم خواهد شد. قوانین جزایی، همواره شرایطی را مورد توجه قرار می‌دهد، که فرد در آنها از مسئولیت جزایی و به تبع آن، مجازات، معاف می‌شود. برخی نویسندگان از این علت‌ها- به دلیل منوط شدن به حکم تبرئه- به «علل تبرئه‌کننده» تعبیر می‌کنند.^۱

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، مجموع این عوامل را، ذیل عنوان «حدود مسئولیت جزایی» مطرح کرده است؛ چنان‌که قانون جدید مجازات اسلامی نیز، همین رویکرد را ذیل عنوان «موانع مسئولیت کیفری» بیان می‌کند. با وجود این، غالباً در لسان اساتید حقوقی^۲، این عوامل به دو دسته: علل موجهه جرم (عللی عینی که سبب می‌شوند، قانونگذار،

۱- نوریها، رضا؛ زمینه حقوق جزای عمومی؛ ص ۲۴۸.

۲- همان؛ ص ۲۴۷.

وصف مجرمانه را از عملی که در شرایط عادی، جرم است، زایل کند؛ نظیر دفاع مشروع) و علل رافع مسئولیت (که بیشتر در شخص مجرم نهفته است، تا حکم قانونگذار؛ نظیر جنون) تقسیم می‌شوند.

در خصوص علل موجهه جرم، از جمله امر امر قانونی، توجه به این نکته ضرورت دارد که عمل، همچنان مجرمانه است، اما شخص، به دلیل وجود شرایطی، از مسئولیت کیفری مبرا است. به همین دلیل، فرد در مظان اتهام قرار می‌گیرد تا وجود موانع مسئولیت، احراز گردد. پرونده مطرح در این جلسه، از سویی با تواءم امر امر قانونی و از سوی دیگر، با قواعد آمریت در فسخ ارتکاب، مواجه می‌گردد.

امر امر قانونی

گاهی قانون، رأساً، اجازه ارتکاب عملی را علیه تمامیت جسمانی افراد صادر می‌کند (مانند اعدام) و گاه امری که دیگری به موجب قانون، وظیفه تبعیت از آن را دارد، دستور ارتکاب چنین اعمالی را صادر می‌نماید. در این صورت رابطه امر و مأمور، در چارچوب قوانین و مقررات اداری مطرح و وظایف آنها لحاظ خواهد شد. بنابراین مأمور، موظف است، تنها از اوامری تبعیت کند که امر، از جایگاه مافوق و منطبق با صلاحیت خویش، و براساس قانون، صادر می‌کند.

برای تبیین نسبت آمر و مأمور، سه نظریه ارائه شده: نظریه اول، مأمور را مکلف به تبعیت بی‌چون و چرای اوامر آمر می‌داند، تا انضباط لازم برقرار باشد. نظریه دوم، در نقد نظریه اول است و می‌گوید: مأمور نباید آلت دست آمر تلقی شود؛ بلکه باید تمام اوامر او را بررسی نماید؛ که این نظریه، ممکن است در عمل به توقف اجرای همه اوامر، منجر شود. نظریه سوم، امری را بین را می‌پذیرد و مأمور را مکلف به بررسی ظاهر دستور می‌داند. بنابراین، مأمور، تنها در مورد اجرای امری مسئول شناخته می‌شود که آشکارا غیرقانونی باشد.^۱ «شیخ طوسی» در کتاب «الخلاف» قید دیگری را نیز، به مسئولیت مأمور اضافه می‌کند: هرگاه بی‌راهی برای کشف حرام بودن دستور آمر به قتل داده باشد، قصاص بر عهده او خواهد بود؛ لیکن اگر چنین امکان نداشته باشد، مسئولیت متوجه آمر خواهد بود.^۲

قانون مجازات اسلامی، در دو ماده ۵۶ و ۵۷ و فرض اصلی و یک استثناء را در این باره مطرح می‌کند: در فرض اول

۱- در بعضی مواد قانونی، شکل خاصی برای دستور آمر، پیش‌بینی شده است. برای مثال، ماده ۵۷۵ قانون تعزیرات (مصوب ۷۵) بر لزوم کتبی بودن دستور تأکید دارد.

۲- شیخ طوسی، کتاب الخلاف، ج ۳، ص ۹۷.

(ماده ۵۶) آمر و مأمور، هردو براساس مسئولیت قانونی خود عمل کرده‌اند که منتهی به آسیب جانی به شخصی شده است در این صورت، هیچ‌یک، مسئولیت جزایی و مدنی نخواهند داشت.^۱ در فرض دوم (صدر ماده ۵۷) چنانچه مأمور، آمر غیرقانونی آمر، را اجرا کند، هردو دارای مسئولیت کیفری خواهند بود. البته ذیل ماده ۵۷، استثنایی مطرح می‌شود که می‌گوید: در صورت اشتباه قابل قبول مأمور در قانونی بودن دسته دوم، صرفاً مسئولیت مدنی خواهد داشت.

آمریت در قتل

قانون مجازات اسلام در ماده ۲۱۱ بیان می‌کند: اگرچه در قتل، یا دستور به قتل می‌دهد، مجوز قتل نیست؛ بنابراین اگر کسی را وادار به قتل دیگری کنند یا دستور به قتل رساندن دیگری را بدهند، مرتکب چندین جرم می‌شود و قصاص می‌شود و اگرچه کننده و آمر، به حبس ابد، محکوم می‌گردند. نظر مشهور

۱- ماده ۳۳۲ قانون مجازات سابق (مصوب ۱۳۷۵)، مقرر می‌دارد: «هرگاه ثابت شود، مأمور نظامی یا انتظامی، در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و هیچ‌گونه تخلف از مقررات نکرده است، ضامن دین مقتول نخواهد بود و جز مواردی که مقتول یا مصدوم، مهدورالدم نبوده، دین بر عهده بیت‌المال خواهد بود.»

در فقه امامیه، اکراه را مجوز قتل نمی‌داند^۱ و به طریق اولی، «امر به قتل» را توجیهی برای ارتکاب قتل نمی‌داند و «مباشراً» را به قصاص، و «امر» را به حبس ابد محکوم می‌کند.

۱- صفة جریان پرونده:

در تاریخ ۸۶/۱۱/۲۵، دو نفر از پرسنل کلانتری ۱۴۴ تهرانپارس، یک درجه دار، به اتفاق یک سربازوظیفه، که درجه دار، سلاح کمری داشته و سربازوظیفه، اسلحه کلاشینکف، در حال تردد در حوزه استحفاظی خود، به سرنشین یک پرنده در حال حرکت، مظنون می‌شوند و درصدد متوقف ساختن آن برمی‌آیند؛ اما راننده، بی‌توجهی می‌کند و به مسیر خود ادامه می‌دهد. نهایتاً ج ۱، در حوزه استحفاظی کلانتری ۱۲۶ تهرانپارس و خارج از حوزه صلاحیت کلانتری ۱۴۴ به وقوع می‌پیوندد. در جریان تعقیب و گریز، ماشین، پشت ترافیک متوقف می‌شود. استوار تلاش می‌کند ماشین را با تیراندازی متوقف سازد و با توجه به اعترافی که در مرحله اولیه

۱- ر.ک به: محمدحسین نجفی؛ جواهر الکلام؛ ج ۴۱، ص ۴۴.

نیز: محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۱۹۱۴.

همچنین برای دیدن سایر نظرات، ر.ک به: ابوالقاسم خویی، مبانی

تکمله المنهاج، ج ۲، صص ۱۳-۱۴

و نیز: شهید ثانی، مسالک الافهام، ص ۲۱۱.

تحقیق کرده است، دو تیر هوایی شلیک می کند؛ اما پراید متوقف نمی شود. نهایتاً دو تیر، به لاستیک های عقب خودرو شلیک می کند و در نتیجه ماشین، منحرف شده و به جدول کنار خیابان برخورد می کند، ولی راننده همچنان، به مسیر خود ادامه می دهد. بعد از آن، سرباز وظیفه، قبل از ورود به چهارراه، آنگونه که خود، ادعا کرده است، با دستور تیراندازی ستوار سه تیر شلیک می کند و راننده با اصابت دو تیر، به قتل می رسد.

در این زمینه، جفرار رأی، صادر شده است. شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان، رأی به مباشرت سرباز و عدم آمریت استوار صادر می کند. اما پرونده به دیوان رفته، نقض می شود و به شعبه هم عرض - شعبه ۱۱۲ - ارسال می گردد که رأی شعبه ۷۱ را در مورد مباشرت تأیید می کند و در خصوص آمریت، قائل به مجرمیت شده است. مجدداً پرونده را به شعبه ۹ دیوان می فرستند که باز هم پذیرفته نمی شود و رأی، بدین به رأی اصراری می گردد. در نهایت، دیوان قتل را غیرعمد دانسته و سرباز و استوار را از اتهامات وارد شده، مبری کرده است.